

عالی و انجمن‌های علمی، نباید محدود به انتشارات علمی کم‌مایه ارسال شده به مجلات باشد زیرا ملاحظه می‌گردد کیفیت پایان‌نامه‌های کارشناسی‌ارشد و مخصوصاً دکتری اخیراً به مرور سیر نزولی طی می‌کنند. البته باید اذعان داشت تعداد پایان‌نامه‌های با کیفیت بالا کم نیست اما در برخی موارد شاهد این موضوع هستیم که نه در نگارش پایان‌نامه و نه در نحوه ارائه، آنچنان وسواسی به خرج داده نمی‌شود و به صرف این که تعدادی مقاله به مجلات مختلف ارسال و مورد پذیرش قرار گرفته، جلسه دفاعی ضعیف و بی‌کیفیت به انجام می‌رسد. آفت مقاله شماری و بازی با ارقام آنچنان که دیوید پارناس در مقاله‌ای در شماره قبلی خبرنامه چاپ شد به آن اشاره می‌کند، نه تنها توسعه علمی را تهدید می‌کند بلکه کیفیت آموزش در دوره‌های تحصیلات تکمیلی را به شدت پایین می‌آورد. لازم است همه ما نسبت به کیفیت پایان‌نامه‌ها و نحوه ارائه آن‌ها نیز حساسیت بیشتر به خرج دهیم. هیچ‌کس نقش سازنده داشتن حداقل یک مقاله دارای پذیرش از مجلات خوب برای دفاع از پایان‌نامه دکتری را نفی نمی‌کند ولی آن یکی از شرایط لازم و نه کافی فارغ‌التحصیلی است. ضمن تأکید بر این نقش سازنده و ضمن تأیید این سیاست لازم برای فارغ‌التحصیلی از خود بپرسیم چه مقدار به کیفیت و نحوه ارائه پایان‌نامه‌ها مخصوصاً در دوره دکتری حساسیت به خرج می‌دهیم.

حمید پزشکی

★ ★ ★

اولین دوره جایزه دکتر محمد هادی شفعیعیها

هیأت امنای جایزه دکتر محمد هادی شفعیعیها در اولین دوره این جایزه در خرداد ماه ۸۸، مطابق آیین‌نامه جایزه، بهترین ویراستار یا مترجم متون ریاضی را انتخاب و ضمن معرفی وی در چهلمین کنفرانس ریاضی ایران در دانشگاه صنعتی شریف (تابستان ۸۸) جایزه وی را توسط رئیس انجمن ریاضی ایران اعطا خواهد نمود.

برای این منظور از ویراستاران و ناشرین متون ریاضی تقاضا می‌شود که ضمن معرفی کاندیدای مورد نظر خود CV وی را در این خصوص تا ۲۰ خرداد ۸۸ به دبیرخانه انجمن ریاضی ایران ارسال نمایند.

محمد جلوداری ممقانی
دبیر هیأت امنای جایزه شفعیعیها

اخیراً شاهد اقدامات متنوع در خصوص اعلام هشدارهای لازم برای جلوگیری از وقوع تخلف در تحقیقات علمی و همچنین انتقاد از سیر روزافزون نشر مقالات کم‌مایه در مجلات کم اعتبار در زمینه ریاضی و آمار هستیم. نگاهی گذرا به مطالب چند شماره اخیر خبرنامه انجمن ریاضی ایران گواهی بر این ادعاست. از خبرنامه شماره ۱۱۲ (تابستان ۱۳۸۶) تا خبرنامه شماره ۱۱۶ (تابستان ۱۳۸۷) حدود ۱۲ مطلب از محققین داخلی و خارجی به طور مستقیم و غیرمستقیم در خصوص امور پژوهشی و تأثیرات انتشارات بر توسعه علمی و آفت‌های پژوهش‌های ناسره و مسائل مبتلا به جوامع علمی مخصوصاً جامعه ریاضی و آمار نگارش شده است.

تأکید مکرر فرهیختگان جوامع علمی به ارزش‌گذاری بر کیفیت انتشارات و نه کمیت آن‌ها و اقداماتی نظیر آنچه در نهمین کنفرانس آمار ایران در تابستان ۱۳۸۷ در دانشگاه اصفهان تحت نام نشست اخلاق علمی صورت پذیرفت، همگی دلالت بر حساسیت جوامع علمی به روند نگران‌کننده چاپ مقاله به هر طریق ممکن دارد.

در این مختصر قصد تکرار هشدارهای با ارزش این فرهیختگان را نداریم. کم نیست مقالات و مطالب آموزنده‌ای از این بزرگواران که در محافل گوناگون ارائه شده و در آن‌ها همه محققین و مخصوصاً دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی و فارغ‌التحصیلان جدید مورد خطاب قرار گرفته‌اند.

غرض از این نوشته اشاره به دو نکته است: اول آنکه حجم وسیع نوشته‌ها که (به حق) پژوهش‌های کم‌مایه را مورد مزمت قرار می‌دهد ناپیوستگی این شبهه را به وجود آورد که همه کارهای پژوهشی که در بین آن‌ها کارهای اصیل کم نیستند، مورد انتقادند. در همین دوران مقالات بسیار با ارزش از پژوهشگران ما در مجلات تراز اول رشته‌های مختلف چاپ می‌شود و افتخارش نه تنها نصیب مولف بلکه تمام جامعه علمی می‌گردد. نباید فراموش کرد که در زمینه انتشار مقاله سابقه طولانی نداریم و نیاز است باز هم تلاشی مضاعف برای ارائه و چاپ مطالب اصیل به خرج دهیم. یادمان نرود که این نهال نیازمند مراقبت است حتماً هم باید شاخه‌های هرز هرس شوند. ولی آنقدر همه شاخه‌های نهال را هرس نکنیم، که خود نهال خشک گردد. هشدارهای فرهیختگان علمی باید به مثابه زنگ‌های خطر و چراغ‌های روش‌گر راه انگاشته شوند. در قرن بیست و یکم با پیشرفت‌های تکنولوژی ارتباطات به راحتی می‌شود پژوهش‌های سره را از ناسره تمیز داد و تخلف‌های علمی را برای مدت طولانی نمی‌توان پنهان نگاه داشت. واضح است که کشورهای پیشرفته‌تر هم دست به گریبان این گونه مسائل هستند و مثلاً در بخش مبارزه با تخلف‌های علمی روش‌های خودشان را برای ایمن‌سازی جامعه علمی به کار می‌برند و گاهی با اعلام صریح و با جزییات کامل مورد خلاف، پیغام جدی تبعات ماجرا را به بقیه گوشزد می‌کنند. با این حال همین کشورها انواع و اقسام روش‌های تشویق از پژوهش‌های اصیل را در برنامه‌های خود دارند.

دوم: به نظر می‌رسد تنها دغدغه دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش